

کتابشناسی علوم ابن اکفانی^۱

ج.ج. ویتکام

ترجمه عباس خوری

برجسته‌ترین اثر در حوزه کتابشناسی دوره کهن متون اسلامی فهرست ابن‌الندیم است که در اواخر قرن چهارم تدوین شد و مراسم بزرگداشت هزاره آن در سال ۱۹۸۷ برگزار گردید.^۲ این اثر در ده «کتاب» («مقاله») تبویب شده که شش کتاب آن به علوم اسلامی (قرآن، صرف و نحو، تاریخ، ادب، شعر، کلام و فقه) و چهار کتاب آن به علمی که اصالتاً اسلامی نیستند (فلسفه و علم، حکایات و افسانه‌ها، فرق و مذاهب، و کیمیا) اختصاص دارد. در همه این ده کتاب، رشد هر رشته با عدد و رقم مشخص گردیده و همراه فهرستی از کلیه نوشته‌های موجود درباره آن و جزئیات کتابشناختی مربوط به مؤلفان هر یک، از قدیمترین ایام تا زمان تدوین اثر، آمده است.^۳ این کتابشناسی هنوز هم منبع عمده‌ای برای شناخت متون علمی

۱. این نوشته گسترش یافته مقاله‌ای است که در نهمین کنفرانس بین‌المللی ملکم (MELCOM)، ۱۶-۱۳ آوریل ۱۹۸۷ در حمامه، تونس، با عنوان «کتابشناسی عربی علوم متعلق به قرن چهاردهم» ارائه شده است. [ترجمه فارسی از متن زیر صورت گرفته است:

"Ibn al-Akfānī (d. 749/1348) and his Bibliography of the Sciences", by Jan Just Witkam, in *Manuscripts of the middle East*, v. 2, Leiden 1987, P. 37-41.]

2. J.D. Pearson, art. 'Bibliography', in: *Encyclopedia of Islam*, vol. I (Leiden 1960), P. 1233-4.

۳. ابن‌الندیم، کتاب‌الفهرست. ابن‌الندیم در شعبان ۳۷۷ به تدوین آن مشغول بوده، اما ممکن است آن را بعدها کامل کرده باشد. وی در نخستین بند کتاب، هدف خود را چنین تبیین می‌کند: «این است فهرستی از تمام کتابهای امم از عرب و عجم که در رشته‌های گوناگون علمی به زبان و خط عربی موجود بوده، با تاریخچه‌ای از مصنفان و طبقات مؤلفان و سلسله خانوادگی و تاریخ تولد و دوره زندگانی و وفات آنان و جاها و شهرهایی که در آن مقیم بوده، و صفات نیکو و ارجمند، یا زشت و ناپسندی که داشته‌اند، از آغاز پیدایش هر علم تا این زمان و عصر ماکه سال سیصد و هفتاد و هفت هجری است.»

بالتسببه کهن است و اطلاعات مفیدی دربارهٔ کتابهایی که ظاهراً دیگر موجود نیستند در اختیار می‌گذارد. از نظر متون علمی، کتاب ابن‌الدیم را می‌توان پایان یک عصر دانست: عصری که فن ترجمه و سپس اقتباس از علوم یونانی، ایرانی، و هندی در میان علمای مسلمان کم و بیش به حد کمال رسید و مرحله‌ای نوین، یعنی تلفیق و تألیف اصیل آغاز گردید.

کتابشناسی مورد مطالعهٔ این مقاله دانشنامهٔ کوچکی از علوم است که عنوان آن ارشاد المقاصد الی اسنی المقاصد است.^۱ مؤلف این کتاب طیبی مصری مشهور به ابن‌اکفانی است که در سال شیوع طاعون، یعنی ۷۴۹، در سنین شصت در قاهره درگذشت. اکفانی به معنای «کفن فروش» است که نام مناسبی برای یک طیبیب نیست. شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن برهان‌الدین ابراهیم بن ساعدالانصاری السنجاری، مشهور به ابن‌اکفانی، در سنجار واقع در شمال عراق و غرب موصل متولد شد. پدرش قاضی و یکی از اعمام مادرش شاعری موسوم به فخرالدین حسن بن علی بن مکزون السنجاری بود.^۲ تاریخ تولد او می‌بایست ۶۸۵ یا جلوتر بوده باشد. در سنین جوانی، احتمالاً نزد جمال‌الدین بن واصل، به تحصیل عروض، منطق، و حدیث و چند رشتهٔ دیگر پرداخت. ابن واصل در ۶۹۷ در حماة سوریه درگذشت^۳، و اگر ابن‌اکفانی در آن سال نزد وی مشغول تحصیل بوده باشد (بر مبنای تاریخ تولد حدسی او) کمتر از دوازده سال نداشته است. پس از اقامت در سوریه، احتمالاً در نوجوانی به قاهره سفر کرد. تاریخ سفرهای او روشن نیست و نمی‌دانیم که طب را نزد که آموخت. آنچه قطعاً می‌دانیم این است که وی در دههٔ دوم از قرن هشتم با سمت مسؤول تدارکات در بیمارستان منصوری

۱. برای مروری اجمالی بر شرح احوال و آثار مؤلف، رجوع کنید به مقالهٔ من تحت عنوان «ابن‌اکفانی» در د. اسلام، ذیل (لیدن ۱۹۸۲)، ص ۳۸۱. بررسی جامع همراه با شرح مفصل احوال و آثار ابن‌اکفانی به زبان آلمانی در دست انتشار است:

De Egyptische arts Ibn al-Akfānī (gest. 749/1348) en zijn Indeling van de Wetenschappen. Editie van het Kitāb Irād al-Qāsid ilā Asnā al-Maqāsid, met een inleiding over leven en werk van de auteur (in the press, Leiden).

۲. الصفدی، الفیث المسجّم فی شرح لایة المعجم (۲ ج، قاهره ۱۳۰۵/۱۸۸۸)، ج ۱، ص ۸۷، ۷۴.

3. Brockelmann, GAL G I, 322.

قاهره خدمت می‌کرده و فعالیت شخصی نیز داشته است. در بیمارستان منصوری از بیماران دیوانه نیز مراقبت می‌کرده است.

در دوره‌ای از حیات شغلی خود طبیعی سرشناس بود و عادت داشت ثروت خود را با پوشیدن لباسهای فاخر و خریدن اسبهای گران قیمت نشان دهد. وی از فعالیتهای پزشکی زمان خود خشنود نبود و پیوسته از وضع اسفبار مطالعات پزشکی شکوه داشت. آن طور که از اشارات تحقیرآمیز وی برمی‌آید با پزشکان یهودی عصر خویش در ستیز بوده است.^۱ بعدها می‌بایست واقعه‌ای در زندگی او رخ داده باشد، زیرا یکباره از بیماران ثروتمند و پرآوازه دوری جست و زندگی ساده‌ای را در پیش گرفت.

درباره زندگی ابن اکفانی به دو نوع منبع برمی‌خوریم: نخست آثار علمی و ادبی متعدّد و متنوعی که در این مقاله به آنها خواهیم پرداخت، و دیگری اشارات مربوط به زندگی او و اطلاعات دیگری که دوست و همعصر جوانتر او صلاح‌الدین صفدی در اختیار می‌گذارد.^۲ با استفاده از شرح مفصل صفدی بر لامیه العجم طفرائی، حتی می‌توان برخی از مضامین گفت و گوی این دو دوست را باز آفرید.^۳ این مضامین، همانند اصل کیمیا، بسیار متنوع است؛^۴ علم بحور یونانی، جایی که ابن اکفانی اظهار عقیده می‌کند که احتمالاً نظر یونانیان درباره بحور مورد استفاده خلیل بن احمد برای تدوین نظریه بحور صریبی قرار گرفته است؛^۵ تبیین اینکه چرا لوچ چشمی سبب می‌شود که اشیاء مضاعف دیده شوند؛^۶ حداکثر دفعات تقدیم و تأخیر که می‌توان با تغییر ترتیب کلمات یک

۱. ارشاد القاصد، ص ۹۶. کلیه ارجاعات به بندهای تصحیح انتقادی من است که هنوز انتشار نیافته (حاشیه شماره ۳).

۲. الوافی بالوفیات، ج ۲، P. ۴۲ (edited by S. Dederling, Istanbul 1949 (Bibliotheca Islamica 6/b)), We. 298 (catalogue Ahlwardt, No. 9864), 25-7 اعیان العصر و اعوان العصر، نسخه خطی برلین؛ *Alhān al-Sawāḡi, bayn* الحان السواجم بین الباده و المراج، نسخه خطی برلین، (دستخط صفدی). We. 150-151 (catalogue Ahlwardt, No. 8631), vol. I. ff. 33a-b.

۳. صلاح‌الدین صفدی، الفیث المسجم فی شرح لامیه العجم، ج ۲ (قاهره ۱۳۰۵).

۴. همان کتاب، ج ۱، ص ۱۰۳.

۵. همان کتاب، ج ۱، ص ۲۵، ۲۴، ۳۰.

۶. همان کتاب، ج ۱، ص ۲۷، ۱۸، ۸۵.

مصراع به آن دست یافت^۱؛ در باب شیوه محاسبه تعداد گندمهای شصت و چهارمین خانه شطرنج^۲ تنها با پنج عمل^۳؛ و بسیاری اطلاعات جالب و سرگرم‌کننده دیگر.

کارهای خود ابن‌اکفانی گاه سررشته‌هایی به دست می‌دهد که مشخص می‌کند معلم آن وی چه کسانی بوده‌اند و چه کتابهایی را مورد استفاده قرار داده است، و در مجموع نشان می‌دهد که دانش وی تا چه پایه بوده است. اما، برای جزئیات زندگی او مدیون ضبط دقیق اطلاعات در آثار صفدی هستیم. هر دو نوع منبع از این جهت با یکدیگر توافق دارند که ابن‌اکفانی دانشمندی پر مطالعه، و عالمی جهانی و فردی جامع‌الاطراف بوده و از طنز نیز بهره‌ای داشته است. توصیف او، برای مثال، از متن حقوقی واقعی *Perpetuum mobile* به عنوان سیمایی از علم نقض موراثت را نمی‌توان چندان جدی انگاشت و باید از دل مجالس درس دانشنامه وی حاصل شده باشد.^۴

پیش از آنکه به دانشنامه ابن‌اکفانی بپردازم چند کلمه‌ای درباره سایر آثارش بیان می‌کنم. تعدد و تنوع آثار او قابل توجه است، گرچه در قیاس با آثار علمای مسلمان آن عصر منحصر به فرد نیست. باید اشاره داشت که شناخت کتابهای عربی به سرعت در حال پیشرفت است و بنابراین تعداد آثار شناخته شده ابن‌اکفانی و آثاری از او که موجود است، در طول زمان افزایش خواهد

۱. همان کتاب، ج ۱، ص ۱۰۹، ۱۰۸.

۲. افسانه‌ای هست به این شرح که «برهنی به نام صصه بن داهر شطرنج را اختراع کرد و آن را به سلطان زمان خود عرضه داشت، و وی صصه را گفت که هر چه می‌خواهد طلب کند. صصه تقاضا کرد که در خانه اول صفحه شطرنج ۱ دانه گندم، در خانه دوم ۲ دانه، در خانه سوم ۴ دانه، در خانه چهارم ۸ دانه... و به طور کلی در هر خانه دو برابر تعداد دانه‌های خانه قبل دانه گندم بگذارند و گندمهایی را که بدین گونه جمع آید به وی بدهند. شاه این تقاضا را با نظر تحقیر نگریست، و وزیر خود را مأمور اجرای آن کرد، ولی در عمل معلوم شد که نه فقط گندمهای قلمرو سلطان برای این کار کافی نیست، بلکه اگر همه اراضی مزروع دنیای مسکون آن عصر صرف زراعت گندم شود و همه مردم ۷۰ سال بدین کار اشتغال ورزند، باز هم گندم کافی برای انجام دادن تقاضای صصه بن داهر فراهم نمی‌شود... تعداد گندمهای کلیه خانه‌ها مساوی ۱-۲^{۶۴} خواهد بود» (دائرة المعارف فارسی مصاحب، «شطرنج».

ص ۱۲۷۵-۱۲۷۶). مترجم.

۳. همان کتاب، ج ۲، ص ۲۶-۱۱، ۵۳.

۴. ارشادالقصائد، ص ۸۱۳-۸۱۶.

یافت. در حال حاضر من توانسته‌ام براساس فهرست کتابخانه‌ها و تجسس در برخی کتابخانه‌های اروپا و خاورمیانه به اطلاعات زیر دست یابم:

الف) آثار مربوط به موضوعات پزشکی:

- مقدمات عمومی: دو اثر، و یک اثر منسوب (با تردید). ظاهراً هیچ‌یک بر جای نمانده است؛

- کحالی: دو اثر، که بر یکی از آنها شرحی نوشته شده است. از این

دو اثر چنین برمی‌آید که کحالی می‌بایست تخصص اصلی ابن

کفانی بوده باشد. چشم پزشکی اروپا تازه در قرن هجدهم

میلادی به حدّ کار ابن کفانی رسید؛

- حجامت؛

- مختصر اسئله و اجوبه حنین بن اسحاق؛

- نبض: ظاهراً بر جای نمانده است؛

- مختصر کلمات قصار بقراط. ظاهراً بر جای نمانده است؛

- کمک‌های نخستین؛

- شرح حال پزشکان. ظاهراً بر جای نمانده است؛

- ادویۀ مفرده: سه اثر، که انتساب آنها به وی محلّ تردید است.

ظاهراً هیچ‌یک بر جای نمانده است؛

- بردگی، به عنوان بخش مهمی از علم طبّ از لحاظ تشخیص عیوب

بردگان در زمان خرید و فروش: یک اثر که شرحی نیز درباره آن

نوشته شده است؛

- پادزرها؛

ب) کتابهای غیر طبّی، شامل مباحث زیر:

1. J. Hirschberg, *Die arabischen Lehrbücher der Augen-heilkunde. Ein Capitel zur arabischen Literaturgeschichte* (...), in: *Abhandlungen der kön. Preuss. Akademie der Wissenschaften* 1905, P. 1-117, especially P. 88-90 and 93; also J. Hirschberg, *Geschichte der Augenheilkunde*, 2. Buch, Abt. 1. *Geschichte der Augenheilkunde bei den Arabern* (Leipzig 1905), P. 82-4.

- تفسیر قرآن: دو اثر. هیچ یک بر جای نمانده است؛
- حدیث: دو اثر که انتساب آنها به وی محلّ تأمل است. هیچ یک باقی نیست؛
- کلام: یک اثر که باقی نمانده است؛
- شرحی بر مجموعه‌ای از ادعیه، که اخیراً کشف شده است؛
- قیافه‌شناسی، هنر استنتاج از سیمای مردم. این اثر با کتاب بردگی ابن‌اکفانی که علم قیافه‌شناسی در آن حائز اهمیت است ارتباط دارد؛
- نجوم: سه اثر، که انتساب یکی قطعی و دو اثر دیگر جای تردید دارد. هیچ یک بر جای نمانده است؛
- حساب: دو اثر، یکی اخیراً کشف شده و از دیگری اثری باقی نیست؛
- احجار کریمه؛
- کیمیا: دو نقل قول بالنسبه کوتاه، که انتساب یکی جای تردید دارد. هیچ یک بر جای نمانده است؛
- تعبیر خواب: انتساب آن محلّ تردید است. اثری از آن باقی نیست؛
- فلاحت: انتساب آن محلّ تردید است. اثری از آن باقی نیست؛
- فلسفه: دو اثر، که انتساب آنها محلّ تردید است. یکی از آنها موجود است؛
- اندرز به شاهان، وزیران و درباریان که اخیراً کشف شده است؛
- شعر: قطعاتی بر جای مانده است؛
- نظریه سبک ادبی: انتساب آن محلّ تردید است. اثری بر جای نمانده است؛
- و سرانجام، دانشنامه سابق‌الذکر، یا به بیان بهتر، معرفی و تقسیم‌بندی علوم، که موضوع بحث این مقاله است.
- شگفت آنکه تعداد اندکی از آثار غیر طبّی ابن‌اکفانی بر جای مانده است. این آثار احتمالاً از نفوذ کمتری برخوردار بوده و آنچه باقی مانده نیز معمولاً پیوندی با علوم طبیعی دارد. اما، دانشنامه ابن‌اکفانی می‌بایست در عهد خود از

شهرت برخوردار بوده باشد. من توانستم حدود هفتاد نسخه خطی از این اثر را شناسایی کنم که اکنون در سراسر دنیا پراکنده است. تصحیح انتقادی که از این اثر تهیه کرده‌ام مبتنی بر هفت نسخه خطی است که یا متعلق به قرن هشتم است یا با مؤلف ارتباط مستقیم دارد. برخورد ابن اکفانی با مباحث کتاب کم و بیش شبیه برخورد ابن الندیم است. برای شخصت علمی که بر شمرده تعریفی مختصر، برخی نکات عمده، و کتابشناسی کوتاهی آورده است. ابن اکفانی پس از دو فصل مقدماتی در باب کلیات تعلیم و تعلم و تقسیم‌بندی علوم، به این مباحث می‌پردازد: «الادب» شامل ده بخش، «المنطق» شامل نه بخش، «الالهی» و «علم النوامیس» شامل نه بخش و بحث جامعی در رفض، «الطبیعی» با ده بخش، «الهندسه» با ده بخش، و «العدد» با هفت بخش، که آخرین بخش آن مربوط به موسیقی است. علاوه بر این علوم نظری، به سه علم عملی نیز پرداخته است که عبارتند از «السیاسة»، «الاخلاق»، و «تدبیر المنزل»، مؤخره‌ای همراه با فهرست کوتاهی از اصطلاحات فلسفی و تعاریف آنها، که همه آنها از ابن سینا اقتباس شده است کتاب را به پایان می‌برد.

اما تفاوت میان ارشاد القاصد و فهرست ابن الندیم کاملاً مشهود است. ابن اکفانی هرگز بر آن نبوده است که بیش از معرفی کوتاهی از هر موضوع ارائه دهد، در صورتی که ابن الندیم کلیه اطلاعات موجود را عرضه می‌کند. شیوه ارائه مطالب و سیاق کار ابن اکفانی بیشتر متوجه مبتدیان است و کتاب او آشکارا معرفی مقدماتی موضوع است، در حالیکه فهرست نوعی کتاب مرجع است. این دو اثر از لحاظ حجم نیز با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. دانشنامه ابن اکفانی در حدود یک دهم کتاب فهرست است. ابن اکفانی می‌بایست از کتاب ابن الندیم آگاه بوده باشد، اما ذکر از آن نکرده است. وی از آثار دو فیلسوفی که بسیار از آنها متأثر بوده است، یعنی احصاء العلوم فارابی^۱ و کتاب النجاة ابن سینا^۲، نیز صراحتاً یاد می‌کند. ابن اکفانی، خصوصاً زمانی که به اصطلاحات فلسفی می‌پردازد،

1. Al-Fārābī, *Catálogo de las Ciencias*. Edición y traducción Castellana Por Ángel Gonzalez Palencia. 2nd edition (Madrid 1953).

۲. ابن سینا، کتاب النجاة فی الحکمة المنطقیة و الطبیعیة و الالهیة. چاپ ماجد فکری، بیروت ۱۹۸۵.

پیرو وفادار ابن سیناست؛ و این معنایی جز آن ندارد که اصطلاحات ابن سینا در نیمه اول قرن هشتم (و احتمالاً دو قرن پیش از آن) گنجوازه مشترک متون علمی بسوده است. بدیهی است که ابن اکفانی از متون ساده تر ابن سینا مانند کتاب التعریفات^۱ و کتاب النجاة استفاده کرده است. وی ممکن است از اصول و نظرات ابن سینا آن گونه که شهرستانی ارائه کرده است نیز بهره مند شده باشد.^۲ ابن اکفانی آثار مشکل تر ابن سینا، نظیر الاشارات و التنبیها و الشفاء را نیز می شناخته ولی قطعاً از آنها استفاده نکرده است.

کتابهایی که در دانشنامه ابن اکفانی آمده حدود یک چهارم یا یک پنجم کل متن را در بر می گیرد. این که اساساً ابن اکفانی به ارائه کتابشناسی می پردازد خود نوعی ابتکار تلقی می شود؛ زیرا فارابی، ابن سینا، و رازی^۳ چنین نکرده اند. ابن اکفانی اظهار می کند^۴ که دانشنامه او حاوی اطلاعات مربوط به ۴۲۰ کتاب است. لیکن در واقع از ۳۸۷ کتاب تجاوز نمی کند. اما هرگاه کتابهای عهد عتیق را هم به حساب آوریم^۵، تعداد عناوین از چهارصد در می گذرد.

کتابهای مندرج در این اثر به سه مقوله تقسیم می شود؛ «المختصره» (کتابهای مختصر)، «المبسوطه» (کتابهای مفصل)، و «المتوسطه» (کتابهای متوسط، که حد واسطه دو نوع پیشین است). هدف از این تقسیم بندی آن بوده است که بتوان گروههای مختلف عالم و متعلم را دقیقاً به منابع رجوع داد. این افراد نیز به سه مقوله تقسیم شده اند: «المنتهی» (علمای فاضل)، «المبتدی» (دانش پژوهان تازه کار)، و «المتوسط» (گروهی که حفاصل این دو قرار می گیرند). کتب مختصر برای علمای فاضل در نظر گرفته شده است، زیرا مباحث اصلی هر علم را قبلاً فرا گرفته اند. مخاطبان این گونه کتب مبتدیان تیزهوش نیز بوده اند، که با استفاده از آنها می توانسته اند در مدت کوتاهی نسبت

۱. ابن سینا، کتاب الحدود، Edited by A.-M. Goichon, Cairo 1963.

۲. شهرستانی، کتاب الملل و النحل، Edited by W. Cureton (2 vols, London 1842-6), P. 348-429.

۳. فخرالدین رازی، جامع العلوم، به کوشش محمد حسین تسبیحی، تهران ۱۳۴۶.

۴. ارشاد القاصد، ص ۸۸۶.

۵. همان کتاب، ص ۴۸۹.

۶. همان کتاب، ص ۱۸۰-۱۸۴.

به کلیات یک مبحث آگاهی یابند. کتب مفصل برای تعلیم تدوین نشده، بلکه برای مطالعه گسترده تر است. کتب متوسط، که ابن اکفانی آنها را از لحاظ لفظ و معنی متناظر توصیف کرده، برای استفاده عموم است.

در بیشتر موارد، ابن اکفانی به عنوان کوتاه شده اثر و نام مؤلف اشاره می کند. وی از محلی که کتاب را در آنجا دیده ذکر می نماید، اما می توان حدس زد که در قرن هشتم مجموعه های قابل اعتنایی از مطالعات نسخ خطی در قاهره موجود بوده است. ابن اکفانی گاه فقط به نام مؤلف و نوع کتاب اشاره می کند و عنوان کتاب را نمی آورد: «شرح» (۱۴ بار)، «شروح» (۴ بار)، «کتاب» (۴۹ بار)، «کتب» (۳ بار)، و «مختصر» (۱۵ بار). در برخی موارد نام مؤلف را ذکر نمی کند، احتمالاً با این تصور که برای خوانندگان آشناست. در سایر موارد، که تعداد آنها زیاد نیست، نام کتاب و نام مؤلف در هم می آمیزد، یا مؤلفانی که همنام هستند یا نام مشابه دارند به روشنی از یکدیگر متمایز نمی شوند، مانند ابن الاثیرالجزری^۱ سه برادر با این نام بوده اند که ابن اکفانی آثار دو تن از آنان را نام برده است. سمرقندی فیلسوف آشکارا از عالم داروسازی به همین نام که حدود دو نسل قبل می زیسته متمایز نیست، و از سمرقندی فقیه که در عصری میان آن دو می زیسته ذکر می نماید ولی کتابی از او معرفی شده است.^۲ گاه عنوان و نام مؤلف با یکدیگر خلط شده اند: ابن اکفانی به کتابی به نام الکامل اشاره می کند که ابوشجاع بن اسلم نوشته است. در واقع این کتاب در سننامه ای است در جبر که ابوکامل شجاع بن اسلم^۳ نوشته است. در جایی دیگر، کتابی به نام کامل الصناعه آمده که به فردی موسوم به الملکی نسبت داده شده است. عنوان کتاب صحیح است اما نویسنده آن المجوسی، طیب قرن چهارم، است؛ و عنوان دیگر آن - به پاس حامی بلندپایه مؤلف - الکتاش الملکی (کتاب شاهی) بوده است. انسان

۱. همان کتاب، ۱۷۶: عزالدین بن الاثیرالجزری (متوفی ۶۳۰، -بروکلمان، ج ۱، ص ۳۴۵)، و ارشادالقاصد، ص ۲۸۳؛ ضیاءالدین بن الاثیرالجزری (متوفی ۶۳۷، -بروکلمان، ج ۱، ص ۲۹۷).

۲. ارشادالقاصد، ص ۳۵۲، ۳۵۴، ۵۷۶: السمرقندی (در قید حیات در ۶۹۰، -بروکلمان، ج ۱، ص ۴۶۸)؛ ارشادالقاصد، ص ۶۲۴: السمرقندی (متوفی ۶۱۹، -بروکلمان، ج ۱، ص ۴۹۱)؛ ارشادالقاصد، ۵۸۵: النافع [تألیف السمرقندی (متوفی ۶۵۶، -بروکلمان، ج ۱، ص ۳۸۹)].

۳. ارشادالقاصد، ص ۸۰۷، -فؤاد سزگین، ج ۵، ص ۲۷۷-۲۸۱.

ممکن است تردید کند که ابن اکفانی واقعاً کلیه کتبی را که توصیف کرده خود دیده باشد. اما این موارد بسیار استثنایی و از جمله ظرایف کتابشناسی است که ممکن است در عهد ابن اکفانی خالی از پیچیدگی نبوده است. در بیشتر موارد عناوین و نام مؤلفان به طور دقیق و به شیوه‌ای قابل فهم آمده است.

من فهرستی تقریباً تاریخی از نام مؤلفان (به ترتیب تاریخ فوت آنها) که در دانشنامه ابن اکفانی مورد اشاره قرار گرفته‌اند فراهم کرده‌ام:

۱۹ مؤلف	علما و فلاسفه یونانی
	مؤلفان دوره اسلامی
۱ مؤلف	قرن اول هجری
۴ مؤلف	قرن دوم هجری
۱۸ مؤلف	قرن سوم هجری
۳۳ مؤلف	قرن چهارم هجری (نیمه اول و دوم) ۲۱+۱۲
۲۴ مؤلف	قرن پنجم هجری (نیمه اول و دوم) ۱۵+۹
۲۹ مؤلف	قرن ششم هجری (نیمه اول و دوم) ۱۷+۱۲
۶۰ مؤلف	قرن هفتم هجری (در چهار ربع قرن) ۱۱+۱۴+۱۶+۱۹
۵ مؤلف	قرن هشتم هجری
۱۶ مؤلف	بدون تاریخ
۱۹۰ مؤلف	جمع مؤلفان دوره اسلامی

از فهرست بالا چنین برمی آید که نام تقریباً هیچ یک از مؤلفان زنده آن عهد در دانشنامه نیامده است. تنها نام چهار مؤلف معاصر ذکر شده و قریب یک سوم کل مؤلفان در قرن هفتم می‌زیسته‌اند، که در میان آنها خصوصاً نام مؤلفان بزرگ و مشهور آن قرن، که ظاهراً در دوران جوانی ابن اکفانی در اوج شهرت بوده‌اند، یا وی کتابهای آنها را نزد استاد فرا گرفته، به چشم می‌خورد. گمان نمی‌کنم ابن اکفانی دلیل خاصی برای نیاوردن نام تعداد بیشتری از مؤلفان معاصر خود داشته است؛ دلایلی از این قبیل که مثلاً مایل نبوده است که خود را وارد مجادلات جاری کند، یا کناره‌گیر بوده است، و جز آن. از معرفی علوم که در

دانشنامهٔ ابن اکفانی آمده چنین برمی آید که وی مروّجی هوشمند و معلّمی شایسته بوده است، اما نمی توان وی را فیلسوفی خلاق و نواندیش دانست. مروّجان علم معمولاً نسبت به پیشرفتهای علمی یک قرن عقب هستند، زیرا آنان خود در رشد رشته‌ای خاص مشارکت ندارند، بلکه به ترویج آنچه قبلاً حاصل آمده است می پردازند. جنبهٔ محافظه کارانه کتابشناسی ابن اکفانی را، دست کم تا حدودی، می توان ناشی از کندی حرکت علم در عصر نسخه‌های خطی دانست. این حقیقت که در مدّت بیست سال که به تدریس دانشنامهٔ خود مشغول بود، هیچ اثری به کتابشناسی وی افزوده نشده محل تأمل است. کلیهٔ نسخه‌های کهنی که متعلّق به زمان حیات اوست دارای اطلاعات کتابشناختی یکسانی است.^۱

در خاتمه بی مناسبت نیست نظری اجمالی به سرنوشت بعدی اطلاعات کتابشناختی متون مندرج در ارشادالقاصد ابن اکفانی، که شایان توجه است، بیفکنیم. اصل کتاب ابن اکفانی به دست فراموشی سپرده شده است، گرچه نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های دنیا موجود است و تعدّد این نسخ حاکی از شهرت و رواج این کتاب در گذشته است. چهارنسخهٔ چاپی، علاوه بر نسخهٔ انتقادی من که هنوز انتشار نیافته، سیب شده است که این اثر بیشتر در دسترس قرار گیرد.^۲ اطلاعات کتابشناختی متونی که ابن اکفانی گرد آورده در هر یک از

۱. نسخهٔ خطی بولونی، کتابخانهٔ دانشگاه، مجموعهٔ Marsigli، شمارهٔ ۳۴۰۶ (۱) (فهرست V. Rosen بولونی ۱۸۸۵، ص ۱۰۶-۱۰۷، شمارهٔ ۴۵۷) حاوی نسخهٔ اجازه‌ای که مؤلف به صفدی داده است. تاریخ این اجازه ۱۲ رمضان ۷۲۹ است. این کهنترین اشاره به ارشادالقاصد است، اما استنساخ نسخهٔ بولونی به وسیلهٔ صفدی بعدها - در جمادی‌الاول ۷۳۷ - صورت گرفته است. نسخهٔ اسکوریال، شمارهٔ ۹۴۹

(Catalogue by M. Casiri (Madrid 1760-70), vol. I, P. 379-80, No. 944; catalogue by H. Derenbourg and H.P.J. Renaud, vol. II, fasc. 3 (Paris 1941), P. 81-2

حاوی نسخه‌ای از اجازهٔ مؤلف به تاریخ ربیع‌الثانی ۷۴۱ است. می توان حدس زد که مؤلف ارشادالقاصد تا سال وفات خود یعنی ۷۴۹ تدریس می کرده است. به جز اختلاف‌های معمول در قرائت‌ها که انسان در نسخ خطی مشاهده می کند، اختلاف‌های قابل توجهی در بخش‌های کتابشناسی هفت نسخه‌ای که برای چاپ انتقادی خود از آنها استفاده کرده‌ام و سایر نسخه‌هایی که به همین منظور مطالعه کرده‌ام وجود ندارد.

۲. این چاپها عبارتند از:

- کلکته ۱۸۴۹ (چاپ A. Prenger)؛

- قاهره ۱۳۱۸ (چاپ محمود ابوالنصر)؛

آثار مؤلفان بعدی راهی را در پیش گرفته است.

نخست باید از کتاب مجهول المؤلفی با عنوان الدررالنظیم فی احوال العلوم و التعلیم نام برد که باز آفرینی کتاب ارشادالقاصد است. من حدود پنج نسخه خطی را با این عنوان می شناسم. این کتاب اساساً کل دانشنامه ابن اکفانی است، تنها نام ابن اکفانی از آن حذف شده است. در برخی نسخ آن افزوده ها قابل اعتناست، اما از مؤلف دیگری ذکری نرفته است. ظاهراً عاملی عربی - یهودی در این تغییر عنوان دخیل بوده، اما از ذکر صریح نام مؤلف خودداری شده است. ما به طور قطع نمی دانیم که چه کسی در این سرقت علمی دست داشته است.

قریب دو نسل بعد از درگذشت ابن اکفانی، القلقشندی، دانشمند جامع الاطراف (متوفی ۸۲۱) برای تدوین اثر عظیم خود کتاب صبح الاعشی^۱، از ارشادالقاصد بهره فراوان برده است. وی چندبار به این اثر اشاره می کند، اما آنچه ذکر نمی کند این است که اطلاعات کتابشناختی مربوط به فصل علوم کتاب خود را کلاً از ارشادالقاصد ابن اکفانی اخذ کرده است. او حتی زحمت روزآمد کردن کتابشناسی را، که در آن زمان حدود یکصد سال کهنه بوده؛ نیز به خود نداده است.

طاش کوپری زاده، دانشمند ترک (متوفی ۹۶۸) از تعاریف علوم ابن اکفانی و بخش عمده ای از کتابشناسی او برای تدوین دانشنامه خود موسوم به مفتاح السعاده^۲ استفاده می کند. وی به ابداع تقسیم بندی جدیدی از علوم می پردازد، اما در چارچوب کار خود از اثر ابن اکفانی بسیار بهره برده است. با ظهور مفتاح السعاده در قرن دهم، دانشنامه ابن اکفانی که متعلق به قرن هشتم بود

- بیروت ۱۳۲۲ (چاپ سلیم الآمدی البخاری، با مقدمه ای از طاهرالجزائری)؛

- قاهره ۱۳۹۸ (چاپ عبداللطیف محمدالعبد).

چاپ اخیر تنها مبتنی بر دو چاپ پیشین، یعنی کلکته ۱۸۴۹ و بیروت ۱۳۲۲، است.

۱. القلقشندی، کتاب صبح الاعشی، ۱۴ ج (قاهره ۱۹۱۳ - ۱۹۱۹). در نوشته حاضر از جلد اول، ص ۴۶۷

- ۴۸۱ آن استفاده شده است. نیز - فهرست کتابهای القلقشندی:

G. Wiet, *Les classiques du scribe + gyptien au XVe siecle*, in: *Studia Islamica* 18 (1963), P. 41-80.

۲. طاش کوپری زاده، مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، چاپ کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور، ۴ ج (قاهره ۱۹۶۸).

بتدریج از نظر مؤلفان بعدی دور می ماند. کاتب چلبی (حاجی خلیفه) مؤلف اثر برجسته دیگری در کتابشناسی عربی موسوم به کشف الظنون^۱ در قرن یازدهم است. وی احتمالاً از ارشاد القاصد استفاده نکرده (گرچه آن را می شناخته و به دین طاش کوپری زاده نسبت به آن واقف بوده) است، اما از میان آثار مختلف، بیش از همه بر دانشنامه طاش کوپری زاده متکی بوده و - چنانکه از ترجمه ترکی آن برمی آید^۲ - چندین بار از آن نقل قول کرده است. اما تعدادی از ضبطها و ارجاعات مشکوک کشف الظنون را تنها می توان با مقایسه با متن اصلی کتاب ابن اکفانی تبیین و اصلاح کرد. پس از کار کاتب چلبی این خط مستقیماً به سمت تحقیقات کتابشناختی وسیعی گرایید که حاصل بررسی متون عربی در اروپای غربی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی است: نظیر فهرست اهلوارت از مجموعه نسخ خطی برلین و تاریخ نگارشهای عربی بروکلیمان. تنها موارد نادری از کتابشناسی های جدید را می توان یافت که از اثر ابن اکفانی، که زمانی کتابشناسی علوم موقفی در قرن هشتم مصر محسوب می شد، استفاده کرده باشد.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتاب و الفنون،

Lexicon bibliographicum et encyclopaedicum (...). Edited by G. Flügel. 8 vols. (London 1835-58).

۲. طاش کوپری زاده، موضوعات العلوم، چاپ احمد جودت، ۲ ج (استانبول ۱۳۱۳).

3. E.g. Manfred Ullmann, *Die Natur- und Geheimwissenschaften im Islam* (Leiden 1972), P. 361-2.

در این متن عبارات ابن اکفانی - به نقل از طاش کوپری زاده - آمده است، بی آنکه به درستی درک شود.